

شناخت، رفتار، یادگیری

تدوین بسته فرزندپروری تربیت اخلاقی ویژه مادران کودکان دبستانی

سارا مرتضویان^۱، زهرا یوسفی^۲، محسن گل پرور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران / مرکز تحقیقات علوم رفتاری و روانشناختی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

ایران

۳. استاد، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران / مرکز تحقیقات علوم رفتاری و روانشناختی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

ایران

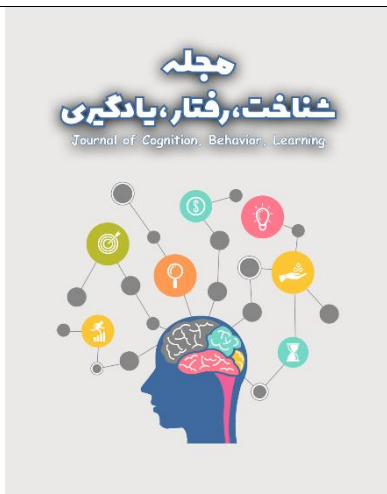
* ایمیل نویسنده مسئول: Dr_yousefi@iau.ac.ir

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

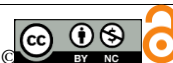


شبهه استناددهی: مرتضویان، سارا، یوسفی، زهرا، و گل پرور، محسن. (۱۴۰۵). تدوین بسته فرزندپروری تربیت اخلاقی ویژه مادران کودکان دبستانی. شناخت، رفتار، یادگیری، ۳(۳)، ۱۷-۱.

چکیده

رشد اخلاقی کودکان یکی از مهم‌ترین ابعاد تحول روان‌شناختی و اجتماعی است که نقش بنیادینی در شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه، همدلانه و جامعه‌پذیر ایفا می‌کند. با توجه به نقش محوری والدین، به‌ویژه مادران، در انتقال ارزش‌های اخلاقی و شکل‌دهی به هویت اخلاقی کودک، پژوهش حاضر با هدف تدوین بسته فرزندپروری مبتنی بر تربیت اخلاقی ویژه مادران کودکان دبستانی انجام شد. این پژوهش در قالب دو مطالعه متوالی انجام شد. در مطالعه نخست، به منظور استخراج مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، از روش کیفی و تحلیل محتوای مرسوم هسیه و شانون (۲۰۰۵) استفاده شد. جامعه پژوهش شامل متون مرتبط با رشد و تربیت اخلاقی کودکان در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶ بود که از میان آن‌ها ۱۵ متن به صورت هدفمند و بر اساس اصل اشباع انتخاب شد. داده‌ها از طریق مطالعه خطبه‌خط متون و کدگذاری مفاهیم استخراج گردید. در مطالعه دوم، بر اساس روش یوسفی و گل‌پرور (۲۰۲۳)، بسته آموزشی فرزندپروری اخلاقی در هشت جلسه تدوین شد و اهداف، محتوا، تکالیف و راهبردهای هر جلسه بر مبنای دستورالعمل‌های APA طراحی گردید. اعتبار محتوایی بسته نیز از طریق نظرخواهی از هشت متخصص حوزه روان‌شناسی تربیتی و فرزندپروری بررسی شد. نتایج تحلیل محتوا نشان داد که تربیت اخلاقی کودکان دارای چهار مفهوم اصلی شامل علل رشد اخلاقی، چسبندگی اخلاقی، شیوه‌های تربیت اخلاقی و سازوکارهای دستیابی به اخلاق است. این مفاهیم در قالب ۱۲ خرده‌مفهوم و ۶۵ کد اولیه طبقه‌بندی شدند. علل رشد اخلاقی شامل برخورداری از والدین اخلاق‌مدار و رشد در جامعه اخلاق‌محور بود. چسبندگی اخلاقی شامل میل به خیر و درستی، توانایی برقراری تعادل و اجتناب از شر و نادرستی بود. همچنین شیوه‌های تربیت اخلاقی شامل راهبردهای رفتاری، شناختی، دیالکتیکی و ذهنی‌سازی شناسایی شد. سازوکارهای دستیابی به اخلاق نیز شامل تنظیم هیجان، تعلقات اخلاقی، همدلی، عملکرد تأملی و خودتنظیمی بود. بر اساس این یافته‌ها، بسته آموزشی با سه هدف اصلی پرورش همدلی، تقویت مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و رفع موانع دستیابی به اخلاق تدوین گردید. نتایج بررسی اعتبار محتوایی نشان داد ضریب توافق بین ارزیابان برابر با ۰٫۹۸ بوده و بسته از اعتبار محتوایی مطلوب برخوردار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که تربیت اخلاقی کودکان نیازمند رویکردی چندبعدی مبتنی بر تعامل عوامل خانوادگی، اجتماعی، شناختی و هیجانی است. بسته تدوین‌شده با تأکید بر همدلی، مسئولیت‌پذیری، تنظیم هیجان و تقویت عملکرد تأملی می‌تواند چارچوبی کاربردی برای آموزش والدین در جهت پرورش کودکان اخلاق‌مدار فراهم آورد. همچنین اعتبار محتوایی بالای بسته نشان می‌دهد که این برنامه از ظرفیت لازم برای بررسی اثربخشی اجرایی در پژوهش‌های آینده برخوردار است.

کلیدواژه‌گان: فرزندپروری، تربیت اخلاقی، رشد اخلاقی، همدلی، مسئولیت‌پذیری، کودکان دبستانی



Cognition, Behavior, Learning

Developing a Moral Education Parenting Package for Mothers of Elementary School Children

Sara Mortazavian¹, Zahra Yousefi^{2*}, Mohsen Golparvar³

1. PhD student in Psychology, Department of Psychology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. / Research Center for Behavioral and Psychological Science, Department of Psychology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Professor, Department of Psychology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran / Research Center for Behavioral and Psychological Science, Department of Psychology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: Dr_yousefi@iau.ac.ir

Submit Date: 2026-02-02

Revise Date: 2026-04-27

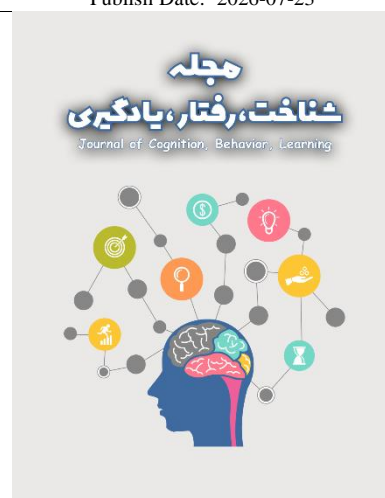
Accept Date: 2026-05-09

Publish Date: 2026-07-23

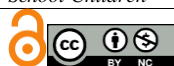
Abstract

Moral development is one of the most important dimensions of children's psychological and social growth and plays a fundamental role in shaping responsible, empathetic, and socially adaptive behaviors. Considering the central role of parents, especially mothers, in transmitting moral values and forming children's moral identity, the present study aimed to develop a moral education parenting package for mothers of elementary school children. This research was conducted in two consecutive studies. In the first study, a qualitative approach using the conventional content analysis method of Hsieh and Shannon (2005) was employed to extract the components of moral education. The research population consisted of texts related to children's moral development published between 2016 and 2026, from which 15 texts were purposefully selected based on saturation principles. Data were collected through line-by-line analysis and coding of the selected texts. In the second study, based on the method proposed by Yousefi and Golparvar (2023), an eight-session parenting training package was developed. The objectives, contents, assignments, and intervention strategies of each session were designed according to APA guidelines. Content validity was assessed by eight specialists in educational psychology and parenting counseling. The findings of the content analysis revealed four major concepts, including causes of moral development, the nature of morality, methods of moral education, and mechanisms for achieving morality. These concepts were categorized into 12 subcategories and 65 initial codes. Causes of moral development included having morally oriented parents and growing up in a morality-centered society. The nature of morality included inclination toward goodness and righteousness, the ability to maintain balance, and avoidance of evil and wrongdoing. Moral education methods consisted of behavioral, cognitive, dialectical, and mentalization-based approaches. Mechanisms for achieving morality included emotion regulation, moral attachment, empathy, reflective functioning, and self-regulation. Based on these findings, the educational package was designed around three primary goals: fostering empathy, enhancing personal and social responsibility, and reducing barriers to moral development. Content validity findings indicated a high inter-rater agreement coefficient of 0.98, confirming the satisfactory content validity of the package. The findings demonstrated that children's moral education requires a multidimensional approach integrating familial, social, cognitive, and emotional factors. The developed package, emphasizing empathy, responsibility, emotion regulation, and reflective functioning, provides a practical framework for educating parents to raise morally competent children. Furthermore, the strong content validity of the package suggests its readiness for future studies examining its implementation effectiveness.

Keywords: Parenting, Moral Education, Moral Development, Empathy, Responsibility, Elementary School Children



How to cite: Mortazavian, S., Yousefi, Z., Golparvar, M. (2026). Developing a Moral Education Parenting Package for Mothers of Elementary School Children. *Cognition, Behavior, Learning*, 3(3), 1-17.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

رشد اخلاقی کودکان یکی از بنیادی‌ترین ابعاد تحول انسانی است که نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت، هویت اجتماعی، رفتارهای مسئولانه و کیفیت تعاملات بین‌فردی آنان ایفا می‌کند. دوران کودکی، به‌ویژه سال‌های دبستان، مرحله‌ای حساس در تثبیت ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری محسوب می‌شود و تجارب این دوره می‌تواند بنیان رفتارهای اخلاقی آینده را شکل دهد. رشد کودک تنها محدود به تغییرات زیستی یا شناختی نیست، بلکه شامل تحولات اجتماعی، هیجانی و اخلاقی نیز می‌شود و این ابعاد به‌صورت متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند (Leonard & Somerville, 2025; Sobel, 2025). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در این دوره، کودکان به تدریج توانایی تشخیص درست از نادرست، درک عدالت، همدلی، مسئولیت‌پذیری و قضاوت اخلاقی را کسب می‌کنند و این قابلیت‌ها تحت تأثیر محیط خانواده، مدرسه و تعاملات اجتماعی رشد می‌یابد (Korotaeva & Chugaeva, 2019; Yong et al., 2023).

خانواده نخستین و مهم‌ترین بستر رشد اخلاقی کودک است و والدین از طریق تعاملات روزمره، شیوه‌های فرزندپروری و الگوهای رفتاری خود، مفاهیم اخلاقی را به فرزندان منتقل می‌کنند. در واقع، کودکان بسیاری از رفتارهای اخلاقی را نه از طریق آموزش مستقیم، بلکه از طریق مشاهده و همانندسازی با والدین می‌آموزند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، حمایتگر و مبتنی بر همدلی می‌توانند رشد اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی کودکان را تسهیل کنند (Purwati et al., 2023; Salavera et al., 2022). در مقابل، فرزندپروری ناکارآمد، کنترل افراطی یا غفلت والدینی می‌تواند با مشکلات هیجانی، ضعف در قضاوت اخلاقی و رفتارهای ضداجتماعی همراه باشد (Tussey et al., 2021). به همین دلیل، پژوهشگران بر اهمیت آموزش والدین و توانمندسازی آنان در زمینه شیوه‌های تربیتی اخلاق محور تأکید کرده‌اند (Mohzana & Murcahyanto, 2023; Rachmad et al., 2023).

در نظریه‌های کلاسیک رشد اخلاقی نیز همواره نقش تعاملات اجتماعی و روابط والد-کودک مورد توجه بوده است. پیازه رشد اخلاقی را نتیجه تعامل کودک با محیط اجتماعی و تحول شناختی می‌دانست و معتقد بود کودکان از مرحله اخلاق دگرپیرو به اخلاق خودپیرو حرکت می‌کنند (Yilmaz et al., 2021). کلبگ نیز رشد اخلاقی را در قالب مراحل شناختی-تحولی تبیین کرد و باور داشت کودکان به تدریج از قضاوت‌های مبتنی بر تنبیه و پاداش به سمت اصول اخلاقی درونی‌شده حرکت می‌کنند (Lind, 2023). در ادامه این دیدگاه‌ها، گیلیگان بر نقش مراقبت، همدلی و روابط انسانی در قضاوت اخلاقی تأکید نمود و نشان داد که اخلاق تنها بر پایه عدالت و قانون شکل نمی‌گیرد، بلکه توجه به دیگران و مسئولیت‌پذیری نیز بخش مهمی از رشد اخلاقی است (Li, 2024). همچنین دیدگاه‌های جدیدتر رشد اخلاقی نشان می‌دهند که تعاملات ارتباطی، گفت‌وگوهای خانوادگی و تجربه‌های اجتماعی در شکل‌گیری استدلال اخلاقی نقش اساسی دارند (Mammen & Paulus, 2023). مفهوم اخلاق در کودکان فراتر از اطاعت صرف از قوانین است و ابعاد متعددی مانند وجدان اخلاقی، همدلی، مسئولیت‌پذیری، کنترل تکانه و توانایی تنظیم هیجان را در بر می‌گیرد. برخی پژوهشگران معتقدند وجدان اخلاقی دارای پایه‌های فطری است، اما کیفیت رشد آن به شدت تحت تأثیر محیط تربیتی قرار دارد (Diba, 2024). در همین راستا، مطالعات نشان داده‌اند کودکانی که در محیط‌های حمایتگر و اخلاق‌محور رشد می‌کنند، توانایی بیشتری در همدلی، درک احساسات دیگران و رعایت هنجارهای اجتماعی دارند (Dawson et al., 2023; Saviz et al., 2020). از سوی دیگر، ضعف در رشد اخلاقی می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخاشگرانه، قلدری، بی‌تفاوتی اجتماعی و مشکلات رفتاری شود (Schutz et al., 2022). بنابراین، پرورش اخلاق در کودکان نه‌تنها به بهبود عملکرد فردی آنان کمک می‌کند، بلکه در سلامت اجتماعی جامعه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که رشد اخلاقی با سایر ابعاد تحول روان‌شناختی از جمله دلبستگی، تحول اجتماعی-هیجانی و کارکردهای اجرایی ارتباط تنگاتنگی دارد. سبک دلبستگی ایمن به عنوان یکی از پیش‌نیازهای مهم رشد اخلاقی شناخته می‌شود، زیرا کودک در سایه رابطه‌ای ایمن و حمایتگر با والدین، احساس اعتماد، امنیت و ارزشمندی را تجربه می‌کند و آمادگی بیشتری برای پذیرش ارزش‌های اخلاقی پیدا می‌کند (Hasannia & Sheikh Eslami, 2020; Steele & Steele, 2019). همچنین پژوهش‌های اسماعیلی و همکاران نشان داد

که رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و رشد اخلاقی کودکان با نقش میانجی دلبستگی تبیین می‌شود (Esmaeili et al., 2021). افزون بر این، مطالعات حوزه تحول اجتماعی-هیجانی نشان داده‌اند کودکانی که از مهارت‌های تنظیم هیجان، خودتنظیمی و همدلی بالاتری برخوردارند، در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی موفق‌تر عمل می‌کنند (Yong et al., 2023).

از منظر اجتماعی، رشد اخلاقی در بستر تعاملات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی رخ می‌دهد. مدرسه، گروه همسالان و محیط اجتماعی در کنار خانواده نقش مهمی در تثبیت ارزش‌های اخلاقی ایفا می‌کنند. مشارکت فعال کودکان در فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی آنان را تقویت کند (Tomokawa et al., 2020). همچنین، وجود الگوهای رفتاری مناسب در محیط مدرسه و تعامل مثبت معلمان با دانش‌آموزان به شکل‌گیری هویت اخلاقی کودکان کمک می‌کند (Al-Faqih & Ghazal, 2023). در مقابل، تجربه خشونت، طرد اجتماعی و قلدری می‌تواند رشد اخلاقی را مختل کرده و زمینه‌ساز رفتارهای ناسازگارانه شود (Schutz et al., 2022).

در سال‌های اخیر، پژوهشگران تلاش کرده‌اند با طراحی مداخلات آموزشی، فرایند رشد اخلاقی کودکان را تقویت کنند. برخی از این مداخلات بر آموزش مستقیم مفاهیم اخلاقی متمرکز بوده‌اند و برخی دیگر بر تقویت مهارت‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی تأکید داشته‌اند. برای مثال، آموزش مفاهیم معنوی مبتنی بر ذکر و دعا موجب افزایش هوش اخلاقی و کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان شده است (Aghababaei & Hekmatzadeh, 2024). همچنین آموزش فلسفه برای کودکان توانسته مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی را در کودکان ۹ تا ۱۲ ساله بهبود بخشد (Ghadiri Bidehendi & Mirzamani Bafghi, 2024). در پژوهشی دیگر، آموزش مفاهیم هوش اخلاقی از طریق قصه، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای تأثیر مثبتی بر رشد اخلاقی کودکان داشته است (Latifi et al., 2024). افزون بر این، قصه‌گویی به عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقای یکپارچگی اخلاقی کودکان معرفی شده است (Ashrafi, 2024).

علاوه بر آموزش مستقیم اخلاق، برخی مداخلات بر تقویت فرایندهای شناختی و اجرایی مرتبط با اخلاق تمرکز کرده‌اند. برای نمونه، آموزش کارکردهای اجرایی در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی توانسته قضاوت اخلاقی آنان را بهبود بخشد (Nabi et al., 2024). همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تقویت مهارت‌های اجتماعی و هیجانی همراه با آموزش والدین می‌تواند روابط اجتماعی و سازگاری اخلاقی کودکان را ارتقا دهد (Shkel et al., 2024). در همین راستا، پژوهش‌های حوزه فرزندپروری نشان می‌دهند آموزش والدین در زمینه مدیریت اضطراب، سازگاری والدگری و بهبود جهت‌گیری‌های تربیتی می‌تواند کیفیت تعامل والد-کودک را افزایش دهد (Mirzaei et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخلات اخلاقی زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که والدین نیز به عنوان بخشی از فرایند آموزش در نظر گرفته شوند.

با وجود گسترش پژوهش‌ها در زمینه رشد اخلاقی، همچنان خلأ قابل توجهی در زمینه تدوین بسته‌های جامع فرزندپروری مبتنی بر تربیت اخلاقی مشاهده می‌شود. بسیاری از مطالعات صرفاً به بررسی رابطه بین متغیرها یا اثربخشی مداخلات محدود پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به طراحی یک بسته آموزشی منسجم برای والدین با هدف پرورش اخلاق در کودکان توجه کرده است. در حالی که والدین نیازمند راهبردهای عملی، ساختارمند و مبتنی بر شواهد علمی هستند تا بتوانند مفاهیم نظری رشد اخلاقی را در زندگی روزمره و تعامل با فرزندان به کار گیرند (Sadat Hosseini et al., 2024; Xu, 2020). افزون بر این، پیچیدگی مفهوم اخلاق و چندبعدی بودن آن ایجاب می‌کند که بسته‌های آموزشی بر ابعاد مختلف شناختی، هیجانی، رفتاری و اجتماعی تمرکز داشته باشند (Buon et al., 2016; Laible et al., 2019).

از منظر روش‌شناختی نیز طراحی بسته‌های آموزشی مبتنی بر تحلیل کیفی متون و استخراج مؤلفه‌های نظری می‌تواند رویکردی علمی و نظام‌مند برای تدوین مداخلات تربیتی باشد. پژوهش کیفی این امکان را فراهم می‌کند که مفاهیم پنهان، الگوهای معنایی و سازوکارهای بنیادین تربیت اخلاقی شناسایی شوند و بر اساس آن‌ها برنامه‌های آموزشی تدوین گردد (Taherdoost, 2022). در واقع، استفاده از تحلیل

محتوای متون علمی و نظریه‌های رشد اخلاقی می‌تواند به طراحی بسته‌های منسجم و مبتنی بر شواهد منجر شود که قابلیت استفاده توسط والدین، مشاوران و متخصصان تربیتی را داشته باشد.

بر این اساس، با توجه به اهمیت رشد اخلاقی در کودکان، نقش اساسی والدین در انتقال ارزش‌های اخلاقی، کمبود بسته‌های آموزشی جامع در حوزه فرزندپروری اخلاق محور و ضرورت طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد علمی، پژوهش حاضر با هدف تدوین بسته فرزندپروری مبتنی بر تربیت اخلاقی ویژه مادران کودکان دبستانی انجام شد.

روش‌شناسی

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش تدوین بسته فرزند پروری تربیت اخلاقی برای کودکان بود. متون موجود در این زمینه مورد توجه قرار گرفت. بنابراین پژوهش از نوع کیفی بود و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوا، به روش طرح مرسوم (هسیه و شانون، ۲۰۰۵) استفاده شد. این طرح زمانی کاربرد دارد که نظریه‌ها و متون پژوهشی مربوط به موضوع مورد مطالعه موجود باشد. در این پژوهش نیز نظریه‌ها موجود بود و کلیه‌ی کدها و مقوله‌ها به طور مستقیم از متون استخراج شد. در پژوهش حاضر محیط پژوهش، متون مربوط به دو روش مذکور بود. انتخاب متون تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع داده‌ها پس از هفت منبع رخ داد با این حال انتخاب متون تا ۱۵ متن افزایش یافت. این متون در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۶ مورد بررسی قرار گرفت، کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های داخلی و خارجی که بیشترین همخوانی با دو نظریه مذکور را داشتند در محیط پژوهش مورد توجه قرار گرفتند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: متون مربوط به ده سال اخیر باشد؛ یکی از مفاهیم اصلی آن تربیت اخلاقی و اخلاق در کودکان باشد. ملاک‌های خروج عبارت بودند از: متون ناشر معتبر نداشته باشد؛ متن مربوط به پایان نامه‌های دانشجویی کارشناسی و کارشناسی ارشد باشد.

جدول ۱. متون منتخب مرتبط با رشد اخلاق در کودکان

۱	احمدی، صادقی، عزیزی، زهرا؛ الهی، محمد. و رسولوند، نازنین. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر رشد اجتماعی و سلامت روان‌شناختی دانش‌آموزان. <i>مجله اخلاق زیستی- علمی پژوهشی</i> . ۱۳ (۳۸) ۱-۱۱.
۲	سمیه اسماعیلی، و کوثر دهدست. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش الگوی فرزندپروری اخلاق محور بر خودکارآمدی والدین و کیفیت ارتباط والد-فرزند. <i>پژوهش در دین و سلامت</i> . ۱۱ (۱)، ۶۵-۷۹.
۳	ملاابراهیم لو، الهه؛ واحدی، شهرام؛ ایمانزاده، علی و بدری گرگری، رحیم. (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر بلوغ اخلاقی دانش‌آموزان دختر متوسطه اول، زیرچاپ. <i>تفکر و کودک</i> . - (۱)،
۴	مصدقی نیک، فاطمه، سلیمانپور، جواد، و جلالوندی، مهناز. (۱۳۹۹). بررسی میزان اثربخشی مولفه‌های رشد اخلاقی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی: آموزش و پرورش استان مازندران). <i>سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت</i> . ۴ (ویژه نامه)، ۵۵-۶۲.
۵	بوسلیکی، حسن. (۱۳۹۸). عوامل رشد اخلاقی کودکان در رابطه والد-فرزند از منظر روان‌شناسی اخلاق. <i>فصلنامه اخلاق پژوهی</i> . ۱۳۵-۱۱۳، ۲(۴).
۶	Mannen, M. & Paul us, M (۲۰۲۳). The communitative nature of moral development: A theoretical framework on the emergence of moral reasoning in social interactions. <i>Cognitive Development</i> , ۶۶, ۱۰۱۳۳۶.
۷	Xu, J. (۲۰۲۰). <i>The good child: Moral development in a Chinese preschool</i> . Stanford University Press.
۸	Knei -Paz, C., &Cohen, E. (۲۰۲۱). Moral development in young children exposed to domestic violence: The case for the proactive role of the therapist. <i>Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy</i> , ۲۰(۴), ۴۲۵-۴۳۸.
۹	Janes, A. (۲۰۱۶). Responsibility, children and childhood. In <i>Responsibility, Law and the family</i> (pp. ۱۴۵-۱۶۶). Routledge.
۱۰	Iannello, N.M, Canodeca, M, Gelati, C., &Papotti, N (۲۰۲۱). Prejudice and ethnic bullying among children: The role of moral disengagement and student-teacher relationship. <i>Frontiers in psychology</i> , ۱۲, ۷۱۳۰۸۱.
۱۱	Hidayah, N, Lestari, G, D, &Artha, I. K A J. (۲۰۲۱, December). Parent and child communication patterns in early childhood emotional social development. In <i>International Joint Conference on Arts and Humanities ۲۰۲۱ (IJCAH ۲۰۲۱)</i> (pp. ۱۱۳۰-۱۱۳۵). Atlantis Press.
۱۲	Esnaei I, F., Tahsbebi, S., Mohammadi Arya, A, &Sol tani, P. R (۲۰۲۱). The Relationship between parenting styles and moral development of preschool children mediated by children's attachment. <i>Archives of rehabilitation</i> , ۲۲(۳), ۳۶۲-۳۷۷.
۱۳	El mDR (۲۰۱۹). Cognitive moral development in ethical decision-making. In <i>Business Ethics</i> (pp. ۱۵۵-۱۷۷). Emerald Publishing Limited.
۱۴	Dawson, KJ., Han, H &Choi, Y.R How are moral foundations associated with empathic traits and morality?. <i>Curr Psychol</i> ۴۲, ۱۰۸۳۶-۱۰۸۴۸ (۲۰۲۳).

به منظور گردآوری داده‌ها از راهنمای دقیق مطالعه‌ی متون استفاده شد؛ سوالات راهنمایی بود که محقق را وادار می‌داشت تا در متون مربوط بر موضوعات اخلاقی در بین کودکان متمرکز باشد و از عبارات‌های کلیدی و مهم یادداشت برداری کند. پس از مشخص شدن منابعی که باید مورد تحلیل قرار می‌گرفتند، این منابع به صورت سطر به سطر مورد مطالعه قرار گرفته، بررسی محتوایی و تحلیل محتوا شده و کدگذاری شدند و به سمع و نظر استاد راهنما و مشاور رسید. در این مرحله انسجام و همخوانی داده‌ها به لحاظ معنی و مفهوم با هم بررسی شد و در عین حال تمایزات واضح و مشخصی میان محتوا ایجاد شد. در مرحله بعد، منابع به کمک اساتید راهنما و مشاور، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و مفاهیم به دست آمده مورد بازنگری قرار گرفتند. لازم به ذکر است داده‌ها هم‌زمان با گردآوری آن‌ها تحلیل می‌شد، یعنی تعامل متقابل بین آنچه که دانسته می‌شود و آنچه باید دانسته شود و رفت و برگشت بین داده‌ها و تحلیل رخ داد، این کار جوهر دستیابی به روایی و پایایی است. در این پژوهش نیز گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها و حرکت مکرر رفت و برگشتی بین داده‌ها و کدها انجام شد. همچنین جهت رعایت اعتبار و پایایی نتایج این نکات رعایت شد (عباس زاده، ۲۰۱۲) سودمندی که نشان‌دهنده آن است، که یافته‌های حاصل از پژوهش کیفی، سودمند و روشن‌کننده پژوهش مورد مطالعه است و با توجه به این که هدف این پژوهش، دستیابی به آموزش برگرفته از رشد اخلاقی بود پس می‌تواند در جهت آگاهی‌دهی به مشاوران فرزندپروری و والدین در جهت بهبود شرایط و چگونگی تربیت اخلاقی مؤثر باشد؛ تمامیت زمینه‌ای که پدیده تحت مطالعه با توجه به زمینه مورد بررسی مطالعه شده و به منظور رعایت این هدف در پژوهش حاضر تمامی متغیرها مدنظر قرار گرفت تا زمینه مورد بررسی را کامل‌تر توصیف نماید؛ محقق با درک جایگاه خویش تأثیر ناآگاهانه بر تفسیر متون نداشت. در این پژوهش محققین تلاش کردند، تا با آگاهی از جایگاه خویش، از هر گونه سوگیری در تفسیر و تحلیل پرهیز نمایند، همچنین با کمک گرفتن از یک متخصص دیگر در تحلیل‌ها، از هر گونه تأثیر ناآگاهانه بر تفسیرها و تحلیل‌ها بپرهیزند. همچنین روش گزارش سبکی است که سایر متخصصان و بهره‌برداران از آن به خوبی بتوانند نتایج پژوهش را درک کنند. در این پژوهش تلاش شد تا گزارش‌های کیفی به شکل جدول و شکل درآید تا فهم آن آسان گردد. در نهایت سه سوسازی محققین که افراد مختلف کدگذاری و تحلیل داده‌ها را انجام دادند رعایت شد در این پژوهش مصاحبه توسط محقق کدگذاری و تحلیل داده‌ها توسط محقق، استاد راهنما و یک متخصص کدگذاری پژوهش‌های کیفی انجام شد.

پس از استخراج مفاهیم اصلی و بر مبنای همین مفاهیم و خرده مفاهیم آن در حوزه‌ی تربیت اخلاقی، هشت جلسه آموزشی مبتنی بر راهبردهای انجمن روانشناسی آمریکا برای تدوین بسته به روش یوسفی و گلپور (۲۰۲۳) به نقل از میرزایی، (۲۰۲۳) تهیه شد که روش آن به بدین شرح بود: ابتدا تیم پژوهش مفاهیم و خرده مفاهیم مستخرج از تحلیل محتوای متون را چندین بار بررسی کردند و براساس مفاهیم مستخرج، هدف بسته آموزشی را مشخص کردند. سپس تیم پژوهش با توجه به اهداف مذکور، سازوکارهای تربیت اخلاقی را مشخص کردند؛ در مرحله بعد تعداد جلسات و زمان مورد نیاز برای هر مبحث و اولویت بندی مبحث را مشخص کردند، در ادامه بسته آموزشی بر اساس خط‌مشی‌های APA (تعاریف رفتاری، تعیین اهداف، راهبردها و فنون برای هر جلسه) تحت نظارت اساتید راهنما و مشاور تدوین و آماده شد در نهایت فرآیند و محتوای بسته‌ی آموزشی توسط متخصصین مشاوره‌ی فرزند پروری در حوزه روانشناسی تربیتی (هشت نفر) انجام شد.

یافته‌ها

در کل به طور خلاصه به منظور تحلیل داده‌ها و با توجه به اینکه روش پژوهش تحلیل محتوا بود از روش پنج مرحله‌ای هسیه و شانون (۲۰۰۵) به شرح زیر استفاده شد:

کلیه واحدهای مفهومی متون منتخب استخراج شد؛ کلیه زیر مفاهیم مفاهیم اصلی استخراج شد. کلیه مفاهیم در قالب طبقات و سپس کدها شکل گرفتند؛ به منظور بررسی همسانی کدبندی‌ها و مقوله‌بندی‌ها با نظریه‌ها، مفاهیم مستخرج توسط استاد راهنما پیش بررسی شد؛ اعتبار

و پایایی کدبندی توسط کلیه اعضای تیم پژوهشی به جز دانشجو انجام شد (متخصصین) و نتیجه‌گیری بر اساس کدبندی و مقوله‌بندی‌ها انجام شد. جدول ۲ تحلیل محتوای متون مرتبط با رشد اخلاقی کودک را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل محتوای متون مرتبط با رشد اخلاقی کودک به شیوه مرسوم

ردیف	مفهوم اصلی	خرده مفهوم	مفهوم بندی پایه	مفهوم بندی اولیه
۱	علل شکل گیری اخلاق در کودک	برخورداری از والدین اخلاق مدار	ارضای	دریافت توجه به موقع
			نیازهای	دریافت محبت
			روانشناختی	دریافت امنیت
				پذیرفته شدن بدون قید و شرط
				صرف زمان با کودک
				توجه به استعدادهاى کودک
				تدارک محیط معتبر برای کودک
				توجه به نیازهای رشدی کودک
				عمل کردن به تعهداتی که به فرزند قول داده شده است
				تنظیم قوانین مشخص
۲	چیزی اخلاق در کودکان	رشد در جامعه اخلاقی	ارضای	توجه به رشد جسمانی کودک
			نیازهای	توجه به نظافت کودک
			جسمانی کودک	توجه به تغذیه کودک
				مراقبت از سلامت جسمانی کودک
			برخورداری	داشتن معلمین معتبرساز در مدرسه
			معلمین اخلاق محور	تحصیل در مدرسه اخلاق محور مبتنی بر نظم و مهربانی
			ارتباط با افراد اخلاق محور	داشتن دوستان اخلاق محور
				رفت و آمد با خانواده‌ها و محیط‌های اخلاق محور
			درونی	توجه به ارزش‌های عرفی
			ارزش‌های اخلاقی	توجه به ارزش‌های بین فردی
میل به خیر و درستی	میل به اجتناب از شر و نادرستی	تمایل به انجام رفتارهای صحیح	انتخاب رفتار درست به جای نادرست به هنگام انتخاب عمل	انتخاب عمل
			تصمیم‌گیری با در نظر گرفتن اخلاق	
			تجربه هیجانانگیز	رضایت از انجام کار اخلاقی
			مثبت ناشی از رعایت اخلاق	عدم پیشیمانی و یا شرم نسبت به انجام رفتار اخلاقی
			توانایی برقراری تعادل بین ابعاد مختلف زندگی	رابطه مناسب با بعد غیر مادی و انسانی وجود
				داشتن ارتباط مناسب با خود
				داشتن ارتباطات بین فردی مناسب
				داشتن ارتباط مناسب با خدا
				پذیرش قوانین حاکم بر هستی
				احترام برای اشیاء و مصرف صحیح در هستی
میل به اجتناب از شر و نادرستی	میل به اجتناب از رفتارهای نادرست و شر غیراخلاقی	میل به اجتناب از رفتارهای نادرست و شر غیراخلاقی	اجتناب از محیط‌های مشوق رفتار غیراخلاقی	اجتناب از مشوق رفتارهای غیراخلاقی
			میل به دوری از محیط مشوق رفتار غیراخلاقی	میل به دوری از مشوق رفتارهای غیراخلاقی
			میل به دوری از مشوق‌های غیراخلاقی	میل به دوری از مشوق‌های غیراخلاقی

تجربه هیجانان	عدم شادی از انجام رفتارهای غیر اخلاقی		
منفی ناشی از رفتار نادرست	انزجار از رفتارهای اخلاقی		
تشویق و تقویت مثبت	پاداش دادن به رفتارهای اخلاقی تشویق رفتارهای اخلاقی تقویت عزت نفس	شیوه‌های رفتاری	۳ شیوه‌های تربیت اخلاقی
تنبیه و تقویت منفی	تنبیه رفتارهای اخلاقی تقویت منفی رفتارهای غیر اخلاقی		
الگودهی	والدین به عنوان الگوی اخلاقی چلب توجه کودک به سمت شخصیت‌های اخلاقی به کمک قصه، فیلم یا شیوه‌های مستقیم		
ایجاد محیط معتبر کننده	انتظارات اخلاقی متناسب با سن کودک توجه به واکنش‌های هیجانی کودک و همدلی با او در موقعیت‌های اخلاقی	شیوه‌های دیالکتیک	
ایجاد مهارت‌های تنظیم هیجانی	آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانان منفی برای رفع موانع انجام رفتار اخلاقی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانان برای کنترل تکانه و خود تنظیمی		
توسعه همدلی	مهربانی با کودک جهت رشد و توسعه مهربانی در کودک رشد آگاهی هیجانی از حالات دیگران و خود توجه به منافع دیگران همچون منافع خود	شیوه‌های ذهنی سازی	
بهبود عملکرد تاملی	تصمیم گیری بر اساس تفکر حل مسئله نه حالات هیجانی کنش گری نه واکنش گری		
تلقین	القای انجام اخلاق صحیح القای دوری از رفتارهای نادرست	شیوه‌های شناختی	
استدلال	استفاده از استدلال برای انجام رفتارهای اخلاقی استفاده از استدلال برای دور شدن از رفتارهای غیر اخلاقی		
اراده مندی	مسئولیت پذیری فردی کارکرد تاملی مسئولیت پذیری در قبال دیگران	خودتنظیمی	۴ سازوکارهای دستیابی به اخلاق
کنترل تکانه	آموزش به تاخیر انداختن در دستیابی به خواسته‌ها دنبال کردن اهداف و برنامه‌ها		
تنظیم هیجانان اخلاق ستیز	مدیریت هیجانان مثبت مشوق رفتارهای منفی مدیریت هیجانان منفی مشوق رفتارهای غیر اخلاقی ارتقا همدلی	تنظیم هیجان	
بهبود مهارت‌های حل مسئله اخلاق مدار	آموزش حل مسئله مبتنی بر اصول اخلاقی بهبود خلاقیت مسئله مدار		
علاقه مندی به الگوهای اخلاقی	علاقه مندی به الگوهای اخلاقی	تعلقات اخلاقی	

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد از تحلیل محتوای متون مرتبط با پرورش اخلاق در کودکان و تربیت اخلاقی آنان چهار مفهوم اصلی (علل رشد اخلاقی، چیستی تربیت اخلاقی، شیوه‌های تربیت اخلاقی و سازوکارهای دستیابی به اخلاق) استخراج شد که از این مفاهیم اصلی ۱۲ خرده مفهوم که حاصل ۶۵ کدبندی اولیه مرتبط بود، استخراج شد که بدین شرح بودند: (۱) علل رشد اخلاقی (با خرده مفاهیم برخورداری از والدین اخلاق مدار و رشد در جامعه اخلاق محور)؛ (۲) چیستی رشد اخلاقی (با خرده مفاهیم میل به خیر و درستی، توانایی برقراری تعادل و میل به اجتناب از شر و نادرستی)؛ (۳) شیوه‌های تربیت اخلاقی (با خرده مفاهیم شیوه‌های رفتاری تربیت اخلاقی، شیوه‌های شناختی، شیوه‌های دیالکتیک و شیوه‌های ذهنی سازی) و (۴) سازوکارهای دستیابی به اخلاق در کودک (با خرده مفاهیم تنظیم هیجان، تعلقات اخلاقی، همدلی و عملکرد تاملی و خودتنظیمی). شکل ۴-۱ شبکه مفاهیم و خرده مفاهیم تربیت اخلاقی را نشان می‌دهد.

پس از استخراج مفاهیم اصلی و بر مبنای همین مفاهیم و خرده مفاهیم آن در حوزه‌ی تربیت اخلاقی، هشت جلسه آموزشی مبتنی بر راهبردهای انجمن روانشناسی آمریکا برای تدوین بسته به روش یوسفی و گلپرو (۲۰۲۳) تهیه شد؛ براساس مفاهیم مستخرج و مراحل طی شده، هدف بسته آموزشی سه هدف کلی پرورش همدلی، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی و رفع موانع دستیابی به همدلی و مسئولیت پذیری بود که با توجه به اهداف مذکور اولویت بندی آنها، سازوکارهای تربیت اخلاقی از متون ذهنی سازی، رفتار درمانی دیالکتیک و رفتاری شناختی استخراج شد. سپس تعداد جلسات و زمان مورد نیاز برای هر مبحث و اولویت بندی مبحث را مشخص کردند به این ترتیب که یک جلسه به واریسی مشکلات اخلاقی و اهمیت پرورش اخلاق در کودکان اختصاص یافت دو جلسه به پرورش همدلی و عملکرد تاملی، دو جلسه پرورش مسئولیت پذیری و سه جلسه به رفع موانع (ناتوانی از سه مهارت خودکنترلی، کنترل تکانه و تنظیم هیجان) و تسهیل کننده‌های تربیت اخلاقی اختصاص یافت، در ادامه بسته آموزشی بر اساس خط‌مشی‌های APA (تعاریف رفتاری، تعیین اهداف، راهبردها و فنون برای هر جلسه) تحت نظارت اساتید راهنما و مشاور تدوین و آماده شد. برای اعتباریابی بسته تدوین شده از روش توافق بین ارزیابان استفاده شد به این ترتیب که بسته آموزشی به همراه فرم ارزیابی محتوا و فرآیند آموزشی، در اختیار متخصصین حوزه مشاوره فرزندپروری با تخصص روانشناسی تربیتی قرار گرفت و تغییرات مد نظر آنان در بسته اعمال شد. لازم به ذکر است ضریب توافق ۰/۹۸ برای بسته حاصل شد. در جدول ۳ خلاصه طرح آموزش تربیت اخلاقی آمده است.

جدول ۳. خلاصه طرح آموزشی تربیت اخلاقی

تعاریف رفتاری
والدین نمی‌دانند که چگونه کودکانی اخلاق مدار تربیت نمایند.
والدین نمی‌دانند چگونه توجه به دیگران و مهربانی را در کودکان خود پرورش دهند.
والدین نمی‌دانند چگونه مسئولیت پذیری را در قبال خود و دیگران در کودکان خود پرورش دهند.
والدین نمی‌دانند چگونه با رفتارهای غیر اخلاقی کودکان خود مواجه شوند.
جلسه اول:
هدف: آشنایی والدین با تربیت اخلاقی و اهمیت آن در قالب فرزندپروری
محتوا: والدین با تربیت اخلاقی و اهمیت آن ذیل انواع سبک‌های فرزندپروری آشنا گردند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر تربیت اخلاقی
جلسه دوم:
هدف: پرورش همدلی در کودک
محتوا: والدین بدانند چگونه می‌توانند به کمک فنون مهربانی و محبت همدلی را در کودک خود بهبود بخشند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر بهبود همدلی به کمک شیوه‌های فرزندپروری
جلسه سوم:
هدف: پرورش کارکرد تاملی در کودک
محتوا: والدین با شیوه‌های پرورش کارکرد تاملی در کودکان با توجه به رشد اخلاق آشنا گردند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر پرورش کارکرد تاملی بر اساس رشد اخلاق در کودک

جلسه چهارم

هدف: پرورش مسئولیت پذیری فردی

محتوا: والدین بدانند که چگونه می‌توانند مسئولیت پذیری فردی را در جهت رشد اخلاقی بهبود بخشند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر پرورش مسئولیت پذیری فردی در کودک با تاکید بر رشد اخلاقی

جلسه پنجم

هدف: پرورش مسئولیت پذیری اجتماعی

محتوا: والدین بدانند که چگونه می‌توانند مسئولیت پذیری اجتماعی را با تاکید بر رشد اخلاقی پرورش دهند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ پرورش مسئولیت پذیری اجتماعی با تاکید بر رشد اخلاقی

جلسه ششم:

هدف: پرورش خود تنظیمی و کنترل تکانه

محتوا: والدین بدانند که چگونه خود کنترلی و کنترل تکانه را در کودکان خود با هدف بهبود تربیت اخلاقی بهبود بخشند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر بهبود خود کنترلی و کنترل تکانه در فرزندپروری

جلسه هفتم:

هدف: پرورش حل مسئله اخلاق محور

محتوا: والدین بدانند که چگونه حل مسئله اخلاق محور را در کودکان خود با هدف بهبود تربیت اخلاقی بهبود بخشند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر حل مسئله اخلاق محور در فرزندپروری

جلسه هشتم:

هدف: آشنایی با مهارت‌های تنظیم هیجان

محتوا: والدین بدانند که مهارت‌های تنظیم هیجان را در کودکان خود با هدف بهبود تربیت اخلاقی بهبود بخشند.
تکلیف: تکمیل کاربرگ نظارت بر مهارت‌های تنظیم هیجان در تربیت اخلاقی

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد هشت جلسه آموزشی با توجه به محتوای مستخرج از تحلیل محتوای کیفی در جدول ۲ آمده است که علاوه بر تعاریف رفتاری، اهداف، محتوا و تکالیف را در بر می‌گیرد. پس از اتمام این بخش از روش توافق بین ارزیابان برای بررسی اعتبار محتوایی استفاده شد به این ترتیب که بسته آموزشی به همراه فرم ارزیابی محتوا و فرآیند آموزشی، در اختیار متخصصین فرزندپروری با تحصیلات روانشناسی تربیتی قرار گرفت (هشت متخصص) و تغییرات مد نظر آنان در بسته اعمال شد و ضریب توافق بین ارزیابان $(0/98) = CVR$ به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تربیت اخلاقی کودکان مفهومی چندبعدی و پیچیده است که از تعامل میان عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و شناختی شکل می‌گیرد. تحلیل محتوای متون منتخب منجر به استخراج چهار مفهوم اصلی شامل علل رشد اخلاقی، چیستی اخلاق، شیوه‌های تربیت اخلاقی و سازوکارهای دستیابی به اخلاق شد. همچنین بر اساس این مفاهیم، بسته فرزندپروری تربیت اخلاقی در قالب هشت جلسه آموزشی تدوین گردید و نتایج بررسی اعتبار محتوایی نشان داد که این بسته از اعتبار مطلوبی برخوردار است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن بود که تربیت اخلاقی کودکان صرفاً محدود به آموزش مستقیم قوانین یا ارزش‌های اخلاقی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تعاملات هیجانی، شناختی، ارتباطی و رفتاری را در بر می‌گیرد که باید در بستر روابط والد-کودک و محیط اجتماعی کودک شکل گیرد. این یافته با دیدگاه‌های جدید رشد اخلاقی که اخلاق را محصول تعاملات اجتماعی، هیجانی و شناختی می‌دانند همسو است (Lind, 2023; Mammen & Paulus, 2023).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، تأکید بر نقش والدین اخلاق‌مدار و جامعه اخلاق‌محور در رشد اخلاقی کودکان بود. این یافته نشان می‌دهد که کودکان بیش از آنکه از طریق آموزش مستقیم اخلاق را بیاموزند، از طریق مشاهده رفتار والدین و تجربه زیسته در محیط خانواده و اجتماع، ارزش‌های اخلاقی را درونی می‌کنند. این نتیجه با نظریه یادگیری اجتماعی و همچنین یافته‌های پژوهش‌های حوزه فرزندپروری همخوانی دارد که نشان داده‌اند سبک‌های فرزندپروری گرم، حمایتگر و مقتدرانه زمینه رشد مسئولیت‌پذیری و رفتارهای اخلاقی را فراهم

می‌کنند (Purwati et al., 2023; Rachmad et al., 2023). همچنین پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که کیفیت روابط خانوادگی و تعاملات والدین با کودک می‌تواند در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و روابط بین‌فردی سالم نقش تعیین‌کننده داشته باشد (Al-Faqih & Ghazal, 2023; Salavera et al., 2022). بنابراین، نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که والدین نه تنها آموزش‌دهنده اخلاق، بلکه الگوی عملی و زیسته آن برای کودکان هستند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که دلبستگی ایمن و ارضای نیازهای روان‌شناختی کودک از مهم‌ترین زیرساخت‌های رشد اخلاقی محسوب می‌شوند. این یافته با دیدگاه‌های دلبستگی‌محور مطابقت دارد که بیان می‌کنند کودکان در سایه تجربه روابط ایمن، محبت‌آمیز و پاسخ‌دهنده، توانایی بیشتری برای درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی پیدا می‌کنند (Steele & Steele, 2019). پژوهش اسماعیلی و همکاران نیز نشان داد که سبک‌های فرزندپروری از طریق دلبستگی بر رشد اخلاقی کودکان اثر می‌گذارند (Esmaeili et al., 2021). همچنین حسن‌نیا و شیخ‌الاسلامی گزارش کردند که بلوغ اخلاقی در رابطه بین سبک دلبستگی و رفتارهای اخلاقی نقش میانجی دارد (Hasannia & Sheikh, 2020). به نظر می‌رسد زمانی که کودک در محیطی مبتنی بر محبت، امنیت و پذیرش بدون قید و شرط رشد می‌کند، احساس ارزشمندی و اعتماد به دیگران در او تقویت شده و این امر زمینه پذیرش ارزش‌های اخلاقی را فراهم می‌سازد.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر مربوط به چیستی اخلاق در کودکان بود که در قالب سه بعد میل به خیر و درستی، توانایی برقراری تعادل و اجتناب از شر و نادرستی استخراج شد. این یافته با نظریه‌های کلاسیک و معاصر رشد اخلاقی همسو است. در نظریه کلبِرگ، رشد اخلاقی فرایندی تدریجی برای درونی‌سازی اصول اخلاقی و حرکت از انگیزه‌های بیرونی به سمت اصول درونی است (Lind, 2023). در نظریه گیلیگان نیز همدلی، مراقبت و توجه به دیگران به عنوان ابعاد مهم اخلاق معرفی شده‌اند (Li, 2024). همچنین پژوهش‌های پدیدارشناختی درباره مفهوم اخلاق در نوجوانان ایرانی نشان داده‌اند که اخلاق از دیدگاه آنان شامل رفتارهای مبتنی بر احترام، خیرخواهی، انصاف و مسئولیت‌پذیری است (Saviz et al., 2020). بنابراین، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی باید علاوه بر آموزش قواعد رفتاری، بر رشد نگرش‌ها، هیجانات و انگیزش‌های اخلاقی نیز متمرکز باشد.

در بخش شیوه‌های تربیت اخلاقی، یافته‌ها نشان داد که راهبردهای رفتاری، شناختی، دیالکتیکی و ذهنی‌سازی نقش مهمی در رشد اخلاقی کودکان دارند. استفاده از تشویق، تقویت مثبت و الگودهی از مهم‌ترین شیوه‌های رفتاری استخراج شده بود. این نتیجه با پژوهش‌های حوزه فرزندپروری و تحول اجتماعی همخوانی دارد که تأکید می‌کنند کودکان در محیط‌هایی که رفتارهای مطلوب تقویت می‌شوند، تمایل بیشتری به تکرار رفتارهای اخلاقی دارند (Mohzana & Murcahyanto, 2023). همچنین استفاده از استدلال و آموزش شناختی برای توضیح پیامدهای رفتارها، با نظریه رشد شناختی اخلاقی مطابقت دارد که رشد اخلاق را وابسته به تحول تفکر و استدلال می‌داند (Elm, 2019). از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ذهنی‌سازی، همدلی و عملکرد تأملی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت اخلاقی هستند؛ موضوعی که در پژوهش دوسون و همکاران نیز مورد تأکید قرار گرفته و رابطه بین همدلی و هویت اخلاقی را تأیید کرده است (Dawson et al., 2023).

در پژوهش حاضر، سازوکارهای دستیابی به اخلاق شامل تنظیم هیجان، تعلقات اخلاقی و خودتنظیمی شناسایی شد. این یافته نشان می‌دهد که رشد اخلاقی صرفاً مبتنی بر شناخت نیست، بلکه توانایی مدیریت هیجان‌ها و کنترل تکانه‌ها نیز در رفتار اخلاقی نقش اساسی دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های تحول اجتماعی-هیجانی هماهنگ است که نشان می‌دهند کودکان دارای مهارت‌های تنظیم هیجان و خودکنترلی بالاتر، در موقعیت‌های اخلاقی تصمیم‌های سازگارانه‌تری اتخاذ می‌کنند (Yong et al., 2023). همچنین پژوهش‌های همکاران نشان داد که آموزش کارکردهای اجرایی می‌تواند قضاوت اخلاقی کودکان را بهبود بخشد (Nabi et al., 2024). بنابراین، به نظر می‌رسد تقویت خودتنظیمی، کنترل تکانه و مهارت‌های هیجانی باید به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر تربیت اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های مربوط به تدوین بسته آموزشی نشان داد که سه هدف اصلی بسته شامل پرورش همدلی، تقویت مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و رفع موانع دستیابی به اخلاق بوده است. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین همسو است که بر نقش همدلی و مسئولیت‌پذیری در رشد اخلاقی تأکید کرده‌اند (Dawson et al., 2023; Ghadiri Bidehendi & Mirzamani Bafghi, 2024). همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که استفاده از رویکردهای مبتنی بر قصه‌گویی، بازی، آموزش شناختی و آموزش هیجانی می‌تواند در طراحی مداخلات اخلاقی مؤثر باشد؛ موضوعی که در پژوهش‌های اشرفی و لطیفی و همکاران نیز گزارش شده است (Ashrafi, 2024; Latifi et al., 2024). افزون بر این، پژوهش آقابابایی و حکمت‌زاده نشان داد که آموزش مفاهیم معنوی می‌تواند به تقویت هوش اخلاقی و کیفیت دلبستگی منجر شود (Aghababaei & Hekmatzadeh, 2024). در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی زمانی اثربخش خواهد بود که به صورت چندبعدی و با در نظر گرفتن ابعاد شناختی، هیجانی، اجتماعی و رفتاری طراحی شود.

از منظر نظری، پژوهش حاضر بر اهمیت تلفیق دیدگاه‌های رشد شناختی، دلبستگی، تحول اجتماعی-هیجانی و یادگیری اجتماعی در تبیین رشد اخلاقی تأکید می‌کند. یافته‌ها نشان داد که اخلاق نه صرفاً یک سازه شناختی و نه تنها یک ویژگی هیجانی است، بلکه حاصل تعامل میان شناخت، هیجان، روابط بین‌فردی و تجربه‌های اجتماعی است. این نتیجه با دیدگاه‌های جدید رشد اخلاقی که بر نقش تعاملات اجتماعی، ارتباطات خانوادگی و تجربه‌های هیجانی در شکل‌گیری اخلاق تأکید دارند همخوانی دارد (Buon et al., 2016; Korotaeva & Chugaeva, 2019). افزون بر این، یافته‌های پژوهش حاضر اهمیت نقش مدرسه، گروه همسالان و محیط اجتماعی را در تقویت یا تضعیف رشد اخلاقی برجسته می‌کند. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی کودکان و تجربه محیط‌های حمایتی و اخلاق‌محور می‌تواند مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی آنان را افزایش دهد (Sabri et al., 2014; Tomokawa et al., 2020).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تربیت اخلاقی کودکان فرایندی چندلایه و پویاست که نیازمند مشارکت فعال والدین، مدرسه و جامعه است. بسته آموزشی تدوین شده با تمرکز بر همدلی، مسئولیت‌پذیری، تنظیم هیجان، خودتنظیمی و عملکرد تأملی تلاش کرده است تا بر اساس شواهد علمی و نظریه‌های رشد اخلاقی، چارچوبی کاربردی برای آموزش والدین فراهم آورد. اعتبار محتوایی مطلوب بسته نیز نشان‌دهنده انسجام مفهومی و تناسب محتوای آن با اهداف تربیت اخلاقی کودکان است و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های مداخله‌ای و کاربردی آینده در این حوزه باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از تحلیل محتوای متون به عنوان منبع اصلی استخراج مؤلفه‌ها اشاره کرد که ممکن است برخی جنبه‌های فرهنگی یا تجربی تربیت اخلاقی در خانواده‌ها را به طور کامل منعکس نکرده باشد. همچنین، اعتبار اجرایی بسته آموزشی در این پژوهش بررسی نشد و اثربخشی عملی آن در بهبود شاخص‌های رشد اخلاقی کودکان نیازمند پژوهش‌های تجربی آینده است. محدود بودن ارزیابی اعتبار محتوا به متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی نیز می‌تواند یکی دیگر از محدودیت‌ها باشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده اثربخشی این بسته آموزشی در قالب طرح‌های نیمه‌آزمایشی و آزمایشی بر متغیرهایی مانند همدلی، مسئولیت‌پذیری، قضاوت اخلاقی، خودتنظیمی و رفتارهای اجتماعی کودکان بررسی شود. همچنین، مقایسه اثربخشی این بسته با سایر رویکردهای تربیتی و بررسی نقش متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و جنسیتی در فرایند تربیت اخلاقی می‌تواند به غنای ادبیات پژوهشی این حوزه کمک کند. بررسی دیدگاه والدین و معلمان درباره کاربردپذیری بسته نیز می‌تواند اطلاعات ارزشمندی برای اصلاح و توسعه آن فراهم سازد.

از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی برای والدین، مشاوران خانواده، مربیان مدارس و روان‌شناسان کودک مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از این بسته در مراکز مشاوره، مدارس و کارگاه‌های آموزشی والدین می‌تواند به ارتقای مهارت‌های فرزندپروری اخلاق‌محور و پیشگیری از مشکلات رفتاری و اجتماعی کودکان کمک کند. همچنین، تلفیق آموزش‌های اخلاقی با برنامه‌های مهارت‌های اجتماعی، تنظیم هیجان و آموزش والدین می‌تواند زمینه پرورش نسلی مسئول، همدل و اخلاق‌مدار را فراهم آورد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Moral development is considered one of the most important dimensions of children's psychological, emotional, and social development. During childhood, especially in the elementary school years, children gradually acquire the ability to distinguish right from wrong, internalize social norms, regulate their behaviors, and establish ethical relationships with others. Researchers have emphasized that moral development is not merely a cognitive process, but rather an integrated developmental phenomenon involving emotional regulation, empathy, social interaction, attachment, and self-regulation (Leonard & Sommerville, 2025; Sobel, 2025). The elementary school years are particularly important because children begin to understand fairness, responsibility, cooperation, and the consequences of their actions in social contexts.

Family is the first and most influential environment for the development of morality in children. Parenting styles, parent-child attachment, emotional communication, and parental modeling significantly affect children's moral growth. Studies have shown that supportive and authoritative parenting styles contribute to children's empathy, social responsibility, and moral judgment, whereas ineffective parenting and emotional neglect may lead to behavioral and emotional difficulties (Purwati et al., 2023; Salavera et al., 2022; Tussey et al., 2021). Moreover, parent-child attachment has been identified as a mediating factor between parenting styles and children's moral development (Esmaeili et al., 2021; Hasannia & Sheikh Eslami, 2020). Children who experience secure attachment and emotionally responsive parenting are more likely to internalize moral values and develop positive social behaviors.

Theoretical perspectives on moral development have also emphasized the role of interpersonal interaction and cognitive-emotional growth. Piaget proposed that children gradually move from heteronomous morality to autonomous morality through social interaction and cognitive maturation (Yilmaz et al., 2021). Kohlberg further conceptualized moral development as a hierarchical process progressing from externally controlled morality toward internalized universal ethical principles (Lind, 2023). Gilligan, however, emphasized empathy, care, and interpersonal relationships as essential dimensions of morality (Li, 2024). Contemporary perspectives additionally highlight the communicative and social nature of moral development, suggesting that children's moral reasoning emerges through dialogue, emotional engagement, and social participation (Mammen & Paulus, 2023).

Recent studies have examined different methods for improving moral development in children. Teaching spiritual concepts and moral intelligence has been associated with increased moral awareness and attachment quality (Aghababaei & Hekmatzadeh, 2024). Storytelling interventions have demonstrated effectiveness in promoting moral integrity among preschool children (Ashrafi, 2024). Similarly, educational approaches such as philosophy for children and moral intelligence training through animations, stories, and games have improved social responsibility and moral reasoning among children (Ghadiri Bidehendi & Mirzamani Bafghi, 2024; Latifi et al., 2024). Executive function training has also been linked to improved moral judgment in

children with attention-deficit/hyperactivity disorder (Nabi et al., 2024). Despite these findings, few studies have focused on developing a comprehensive parenting package specifically designed to enhance moral education among elementary school children.

The existing literature demonstrates that moral development is multidimensional and influenced by emotional, cognitive, behavioral, and social factors (Korotaeva & Chugaeva, 2019; Laible et al., 2019). Therefore, parents need structured and evidence-based guidance to translate theoretical concepts of moral development into practical parenting strategies. Given the critical role of mothers in children's emotional and moral upbringing, the present study aimed to develop a moral education parenting package for mothers of elementary school children based on qualitative content analysis of moral development literature.

Methods and Materials

The present study employed a qualitative research design using the conventional content analysis approach. The study was conducted in two sequential phases. In the first phase, the purpose was to extract the conceptual foundations and components of moral education in children. The research environment consisted of scientific texts, books, dissertations, and articles related to children's moral development and moral education published between 2016 and 2026. Fifteen texts were selected purposively based on inclusion criteria and the principle of data saturation. Inclusion criteria included relevance to children's moral development and publication within the designated time period, while texts lacking scientific credibility or unrelated to the study topic were excluded.

Data collection was performed through line-by-line examination of the selected texts. The researchers identified meaningful units, initial codes, categories, and conceptual themes using the conventional content analysis procedure. Data analysis was conducted simultaneously with data collection to facilitate continuous comparison and conceptual refinement. The coding process involved repeated review and discussion among the research team and external qualitative research experts to ensure consistency and conceptual coherence. Trustworthiness was enhanced through researcher triangulation, continuous peer review, and detailed reporting of findings.

In the second phase, the extracted concepts and subcategories were used to design a moral education parenting package based on the framework proposed by Yousefi and Golparvar. The package was developed in eight educational sessions according to APA guidelines for intervention design. The sessions focused on empathy development, reflective functioning, responsibility training, self-regulation, impulse control, moral problem-solving, and emotional regulation. Each session included behavioral objectives, educational content, and home assignments for parents.

To evaluate content validity, the package was reviewed by eight specialists in educational psychology and parenting counseling. Experts evaluated the relevance, clarity, and applicability of the sessions and intervention strategies. Their feedback was incorporated into the final version of the educational package. The inter-rater agreement coefficient demonstrated a high level of content validity for the developed intervention.

Findings

The findings of the qualitative content analysis revealed four major conceptual domains related to moral education in children. The first major concept was the causes of moral development, which included two subcategories: having morally oriented parents and growing up in a morality-centered social environment. Initial codes in this domain included emotional responsiveness, unconditional acceptance, attention to children's developmental needs, secure attachment, exposure to moral role models, and participation in ethical educational settings.

The second major concept was the nature of morality in children. This domain included three subcategories: inclination toward goodness and righteousness, the ability to maintain balance across different dimensions of life, and avoidance of wrongdoing and unethical behavior. Children's morality was conceptualized as

involving empathy, positive moral emotions, ethical decision-making, respect for others, environmental responsibility, and emotional discomfort following unethical behavior.

The third major concept involved methods of moral education. Four subcategories emerged in this domain: behavioral methods, cognitive methods, dialectical methods, and mentalization-based methods. Behavioral methods included reinforcement, encouragement, punishment, and role modeling. Cognitive methods involved reasoning, moral explanation, and internalization of ethical values. Dialectical methods emphasized emotional validation, age-appropriate expectations, and supportive communication. Mentalization-based methods focused on empathy development, reflective functioning, emotional awareness, and understanding the perspectives of others.

The fourth major concept consisted of mechanisms for achieving morality in children. This concept included emotional regulation, moral attachment, self-regulation, empathy, and reflective functioning. The analysis indicated that moral behavior requires children to regulate emotional impulses, delay gratification, control aggressive reactions, and make decisions based on ethical reasoning rather than immediate emotional reactions. Based on these findings, the parenting package was designed with three primary goals: developing empathy, strengthening personal and social responsibility, and reducing barriers to moral development. The intervention consisted of eight educational sessions. One session focused on introducing moral parenting and its importance, two sessions addressed empathy and reflective functioning, two sessions emphasized responsibility development, and three sessions targeted self-regulation, impulse control, emotional regulation, and moral problem-solving.

The evaluation of content validity showed strong agreement among experts regarding the appropriateness and applicability of the intervention package. The content validity ratio indicated that the educational package possessed satisfactory conceptual coherence and practical relevance for parenting education.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrated that moral education in children is a multidimensional developmental process influenced by family relationships, emotional interactions, social context, cognitive abilities, and self-regulatory capacities. The extracted conceptual framework emphasized that morality is not limited to obedience to rules, but rather includes empathy, emotional awareness, social responsibility, reflective functioning, and ethical self-regulation.

The findings highlighted the central role of parents, particularly mothers, in shaping children's moral development. Parenting characterized by emotional warmth, consistency, empathy, and moral modeling appears to facilitate the internalization of ethical values and the development of moral identity. The results also suggest that children's moral development depends heavily on secure attachment relationships and emotionally supportive environments.

Another important finding was the significance of emotional regulation and self-regulation in moral functioning. Children who are able to manage emotional impulses and reflect upon their own and others' mental states may be better equipped to engage in ethical decision-making and prosocial behavior. Thus, interventions designed to improve morality should not focus solely on teaching rules or ethical concepts, but should also target emotional, cognitive, and interpersonal skills.

The educational package developed in this study integrated behavioral, cognitive, dialectical, and mentalization-based approaches to moral education. This integrative framework may provide parents with practical tools to promote empathy, responsibility, and emotional regulation in children. The package also emphasized the importance of reflective dialogue, supportive communication, and ethical role modeling within family relationships.

Overall, the findings suggest that moral education requires a comprehensive and relational approach that addresses emotional, social, and cognitive aspects of development simultaneously. The high content validity

of the developed parenting package indicates that it may serve as a useful intervention framework for parenting education programs, counseling centers, and educational settings. Future studies are recommended to evaluate the effectiveness of this intervention package in improving children's empathy, moral judgment, responsibility, and social adjustment through experimental and longitudinal research designs.

References

- Aghababaei, S., & Hekmatzadeh, F. (2024). The effectiveness of teaching spiritual concepts centered on remembrance and prayer on moral intelligence and attachment quality in students. *Journal of Positive Psychology Research*, 10(2), 91-106.
- Al-Faqih, R., & Ghazal, M. A. (2023). The predictive ability of parenting styles in the quality of friendship among adolescents. *Jordan Journal of Educational Sciences*, 19(3), 557-577. <https://doi.org/10.47015/19.3.2>
- Ashrafi, S. (2024). The effectiveness of storytelling on moral integrity in preschool children. *Thinking and Child*, e9852.
- Buon, M., Habib, M., & Frey, D. (2016). Moral development: Conflicts and compromises. In *Social Cognition* (pp. 147-168). Routledge. <https://doi.org/10.31234/osf.io/nznt6>
- Dawson, K. J., Han, H., & Choi, Y. R. (2023). How are moral foundations associated with empathic traits and moral identity? *Current Psychology*, 42, 10836-10848. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-02372-5>
- Diba, H. (2024). Children's moral conscience: A reality with an innate or acquired structure. *Journal of Ethics Research*, 7(3), 1-26. <https://doi.org/10.22034/ethics.2024.51626.1709>
- Elm, D. R. (2019). Cognitive moral development in ethical decision-making. In *Business Ethics* (pp. 155-177). Emerald Publishing Limited. <https://doi.org/10.1108/S2514-175920190000003006>
- Esmaeili, F., Tahmasebi, S., Mohammadi Arya, A., & Soltani, P. R. (2021). The relationship between parenting styles and moral development of preschool children mediated by children's attachment. *Archives of Rehabilitation*, 22(3), 362-377. <https://doi.org/10.32598/RJ.22.3.3275.1>
- Ghadiri Bidehendi, Z., & Mirzamani Bafghi, S. M. (2024). The effectiveness of philosophy education for children on social responsibility and moral intelligence in children aged 9 to 12 years. *Quarterly Journal of Applied Psychological Research*, 15(4), 147-161.
- Hasannia, S., & Sheikh Eslami, R. (2020). The mediating role of moral maturity in the relationship between attachment style and moral behaviors. *Quarterly Journal of Modern Psychological Research*, 15(57), 131-155.
- Korotaeva, E., & Chugaeva, I. (2019). Socio-moral development of preschool children: Aspects of theory and practice. *Behavioral Sciences*, 9(12), 129. <https://doi.org/10.3390/bs9120129>
- Laible, D., Carlo, G., & Padilla-Walker, L. M. (2019). *The Oxford Handbook of Parenting and Moral Development*. Academic. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190638696.001.0001>
- Latifi, Z., Gorji, Y., & Taghipour, M. (2024). The effectiveness of teaching moral intelligence concepts through animation, stories, pictures, and computer games to children. *Revealed Ethics*, 14(1), 189-230.
- Leonard, J. A., & Sommerville, J. A. (2025). A unified account of why optimism declines in childhood. *Nature Reviews Psychology*, 4(1), 35-48. <https://doi.org/10.1038/s44159-024-00384-z>
- Li, L. (2024). Gilligan's theory of moral development. In *The ECPH Encyclopedia of Psychology* (pp. 1-2). Springer Nature Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-97-7874-4_767
- Lind, G. (2023). The theory of moral-cognitive development: A socio-psychological assessment. In *Moral Development and the Social Environment* (pp. 21-53). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003419273-3>
- Mammen, M., & Paulus, M. (2023). The communicative nature of moral development: A theoretical framework on the emergence of moral reasoning in social interactions. *Cognitive Development*, 66, 101336. <https://doi.org/10.1016/j.cogdev.2023.101336>
- Mirzaei, M., Yousefi, Z., & Baratali, M. (2024). Comparing the effectiveness of anxiety management training for mothers of university entrance exam candidates with acceptance and commitment training on parenting adaptability, parenting orientation, and parenting rumination among mothers of university entrance exam candidates. *Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 18-35.
- Mohzana, M., & Murcahyanto, H. (2023). The influence of family interaction on early childhood independence. *IJE: Interdisciplinary Journal of Education*, 1(1), 53-65. <https://doi.org/10.61277/ije.v1i1.10>
- Nabi, H., Tappeh Rashi, A., & Mohammad Abdolkarim Abdolqader, H. (2024). The effectiveness of executive function training on sleep quality and moral judgment in children with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 15(57), 115-136.
- Purwati, I., Markhamah, M., Desstya, A., & Minsih, M. (2023). Parenting style in developing the character of elementary school student responsibility. *Al-Ishlah: Jurnal Pendidikan*, 15(3), 3794-3803. <https://doi.org/10.35445/alishlah.v15i3.3777>

- Rachmad, Y. E., Agnesiana, B., Sukmawati, E., Ramli, A., & Zebua, R. S. Y. (2023). The analysis of parenting patterns in instilling morals of early childhood. *Journal of Childhood Development*, 3(1), 13-21. <https://doi.org/10.25217/jcd.v3i1.3247>
- Sabri, M., Khoshbakht, F., & Golzar, H. (2014). The relationship between attachment styles and social adjustment: The mediating role of emotional intelligence. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 11(42), 181-194. <https://sid.ir/paper/101478/fa>
- Sadat Hosseini, A., Bashardoost Tajali, F., & Sharifi, N. (2024). Moral development in children and recommendations based on Islamic texts for its development and evolution. *Islamic Studies in Health*, 8(2).
- Salavera, C., Usan, P., & Quilez-Robres, A. (2022). Exploring the effect of parental styles on social skills: The mediating role of affects. *International journal of environmental research and public health*, 19(6), 3295. <https://doi.org/10.3390/ijerph19063295>
- Saviz, M., Hejazi, E., Afrooz, G., & Salehi, K. (2020). The concept of morality from the perspective of Iranian adolescents: A phenomenological study. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, 16(56), 117-130. <https://doi.org/10.22054/jep.2020.44482.2722>
- Schutz, J., Baker, N., & Koglin, U. (2022). Bullying in school and cyberbullying among adolescents with out and with special educational needs in emotional-social development and in learning in Germany. *Psychology in the Schools*, 59(9), 1737-1754. <https://doi.org/10.1002/pits.22722>
- Shkel, J., Geng, A., Pilchak, E., Millan, M. E., Schwartzman, J. M., Schuck, R., & Gengoux, G. W. (2024). A pilot randomized controlled trial of motivation-based social skills group treatment with parent training. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1-14. <https://doi.org/10.1007/s10803-024-06302-9>
- Sobel, D. (2025). *Childhood and Nature: Design Principles for Educators*. Cornell University Press. <https://doi.org/10.7591/cornell/9781501778544.001.0001>
- Steele, H., & Steele, M. (2019). *Handbook of Attachment-Based Interventions*. Guilford Publications.
- Taherdoost, H. (2022). What are different research approaches? Comprehensive review of qualitative, quantitative, and mixed method research, their applications, types, and limitations. *Journal of Management Science & Engineering Research*, 5(1), 53-63. <https://doi.org/10.30564/jmser.v5i1.4538>
- Tomokawa, S., Miyake, K., Takeuchi, R., Kokudo, S., & Asakura, T. (2020). Participation of children in school health in Japan. *Pediatrics International*, 62(12), 1332-1338. <https://doi.org/10.1111/ped.14347>
- Tussey, B. E., Tyler, K. A., & Simons, L. G. (2021). Poor parenting, attachment style, and dating violence perpetration among college students. *Journal of interpersonal violence*, 36(5-6), 2097-2116. <https://doi.org/10.1177/0886260518760017>
- Xu, J. (2020). *The Good Child: Moral Development in a Chinese Preschool*. Stanford University Press.
- Yilmaz, O., Bahcekapili, H. G., & Sevi, B. (2021). Theory of moral development. In *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science* (pp. 8148-8152). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-19650-3_171
- Yong, G. H., Lin, M. H., Toh, T. H., & Marsh, N. V. (2023). Social-emotional development of children in Asia: A systematic review. *Behavioral Sciences*, 13(2), 123. <https://doi.org/10.3390/bs13020123>